

تخفیف خوش حسابی جایگزینی برای جریمه تاخیر در عملیات بانکی بدون ربای ایران

محمدنقی نظریور^۱
سیدمحمدشهاب طباطبائی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۲۷

چکیده

تاخیر تادیه در بازپرداخت تسهیلات آثار منفی مالی و اقتصادی بسیاری را بر بانکها تحمیل می‌کند، به گونه‌ای که حتی ممکن است آن‌ها را در آستانه ورشکستگی قرار دهد، از جمله این آثار نامطلوب اقتصادی می‌توان به مواردی چون کاهش نقدینگی، عدم امکان استفاده مناسب اقتصادی از سرمایه‌های بانک و خسارت ناشی از کاهش ارزش پول اشاره کرد. به دنبال حل این مشکل شورای محترم نگهبان راهکاری تحت عنوان "جریمه تاخیر تادیه" را تصویب نمود تا از این طریق مشتریان نظام بانکی بیش از پیش ملزم به بازپرداخت به موقع تعهدات خود باشند. در عین حال اکثریت مراجع عظام و فقیهان با چنین شیوه‌ای موافقتی ندارند. این مقاله به دنبال معرفی راهکاری جایگزین برای جریمه تاخیر در عملیات بانکی بدون ربا است که مورد تایید و توافق همه مراجع عظام و فقیهان بوده و در مشروعیت آن خدشه‌ای وارد نشود. مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تخفیف خوش حسابی چگونه و با چه سازوکاری می‌تواند سبب پرداخت به موقع تعهدات از سوی گیرندگان تسهیلات در نظام بانکی شود؟ در این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی در تبیین و بررسی مباحث استفاده می‌شود و در مباحث تجربی از روش دلفی استفاده می‌کنیم و فرضیه این است که تخفیف خوش حسابی جایگزین مناسبی برای جریمه تاخیر مطالبات بانکی بوده و با دیدگاه مراجع و فقیهان نیز سازگار است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد راهکار تخفیف خوش حسابی با توجه به این که اهداف جریمه تاخیر تادیه را برای بانک محقق می‌سازد و عاری از ایراد فقهی بوده و از نظر کارشناسان نیز بهتر است به مراتب کارکرد مطلوب‌تری از جریمه تاخیر خواهد داشت.

واژگان کلیدی: تخفیف خوش حسابی، جریمه تاخیر، خسارت تاخیر تادیه، ربا، نرخ سود، نظام بانکی
طبقه‌بندی JEL: E43, G21, Z12

۱- nazarpur@mofidu.ac.ir

۲- m.sh.tabatabayi@atu.ac.ir

۱- دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه مفید.

۲- دانشجو ارشد علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

امروزه یکی از مشکلات اساسی نظام بانکداری ایران، تاخیر در بازپرداخت تعهدات توسط مشتریان بانک است که تسهیلاتی را دریافت کرده اما در موعد مقرر نسبت به بازپرداخت آن اقدام نمی‌کنند. این مساله، خود ناشی از دو دلیل است، یکی عدم توان بازپرداخت و دیگری استفاده از مبلغ تسهیلات بیشتر از زمان مقرر. همین موضوع باعث شده است بانک‌ها در اغلب موارد متضرر شده و یا با کاهش قدرت وام‌دهی مواجه شوند. چرا که عدم برگشت منابع به بانک طبق برنامه زمانی، سرعت گردش پول در دست بانک را کاهش می‌دهد. به دنبال رفع این مشکل بسیاری از متفکران از راهکاری تحت عنوان "جریمه دیرکرد" یا "جریمه تاخیر تادیه" یاد کرده‌اند و آن را در قانون عملیات بانکداری بدون ربای ایران قرار داده‌اند تا بدین وسیله مشتریان خود را ملزم به بازپرداخت به موقع تعهدات خود کنند. اگرچه این راهکار مورد تایید شورای نگهبان بوده و به تصویب آن رسیده، اما در این زمینه توافقی بین فقیهان وجود ندارد. اکثریت فقیهان و مراجع عظام جریمه تاخیر را مصداق بارز ربا دانسته و اعطاء و اخذ آن را جایز نمی‌دانند. در مقابل برخی دیگر از فقیهان و مراجع بر مشروعیت آن صحه گذاشته و در صورتی که در متن قرارداد به جهت ممانعت از تاخیر تادیه وجوه در زمان مقرر، شرط جریمه شود بلامانع می‌دانند. این اختلاف نظرات و تفاوت دیدگاه‌های مراجع و فقیهان ایجاب می‌کند به منظور جلوگیری از تاخیر در پرداخت دیون بانکی و همچنین جبران خسارت وارده به بانک از جانب تاخیر تادیه توسط مشتریان، چاره‌ای اندیشیده شود که ضمن تحقق اهداف مورد نظر، یعنی ملزم کردن مشتریان و نیز پوشش خسارت احتمالی، شبهه ربوی نداشته و براین اساس توافقی همه‌جانبه فقیهان ارجمند و مراجع عظام را نیز به همراه داشته باشد. بدین منظور مقاله پیش‌رو به دنبال ارائه راهکاری جایگزین تحت عنوان "تخفیف خوش‌حسابی" است. اکنون سوال اساسی این است که تخفیف خوش‌حسابی چگونه و با چه سازوکاری جایگزین جریمه تاخیر می‌شود؟ فرضیه مقاله این است که تخفیف خوش‌حسابی جایگزین مناسبی برای جریمه تاخیر در نظام بانکی بدون ربای ایران است.

در این مقاله، ابتدا به بررسی جریمه تاخیر پرداخته و دلیل کنارگذاری آن را به طور مختصر بیان خواهیم کرد، سپس به تشریح مفهوم تخفیف خوش‌حسابی می‌پردازیم، پس از شناخت مفهوم تخفیف خوش‌حسابی و انواع آن، با در نظر گرفتن مبنای فقهی جواز تخفیف، امکان اجرای این ابزار را هم از منظر اقتصادی و هم از منظر متخصصان بانکی بررسی خواهیم کرد و در نهایت مطلوبیت روش پیشنهادی را با استفاده از پرسش‌نامه در قالب سئوالاتی از دو گروه از نخبگان شامل اساتید مرتبط دانشگاهی و کاربران ارشد بانکی به روش دلفی ارزیابی خواهیم کرد. (توضیحات پیرامون "اصلاحیه سازوکار پیشنهادی هنوز متکی بر نظام ربوی است. چگونه بانک در ریسک و زیان

مشتري خود مشاركت مي‌کند؟" در اين خصوص بايد به اين نکته اشاره کنم که اين پژوهش در حوزه يک ابزار در ذيل قراردادها يعني جريمه تاخير انجام شده که شبهه ربا دارد. اين که کل نظام بانكي ربوي باشد و مشارکت در زيان نباشد، بحثي کاملاً متفاوت از بحث اين پژوهش است که اصلاً هيچ جايي در چارچوب اين مقاله ندارد. چنانچه به دنبال حل مشکل ربوي بودن نظام بانكي هستيم يا مشکل بر سر عدم مشارکت در زيان و صرفاً مشارکت در سود است، مي‌بايست پيرامون کليه قراردادها و فعاليت‌هاي بانكي پژوهشي مجزا صورت گيرد. بنابراين نمي‌توان از پژوهشي که صرفاً در يک مورد بخصوص و يک شبهه ربوي بخصوصي انجام شده، توقع رفع کل مشکل ربوي بودن نظام بانكي را داشت و آن را مي‌بايست در پژوهش‌هاي ديگر دنبال کرد. اين پژوهش تنها براي حل شبهه رباي جريمه تاخير انجام شده و به طور مبسوط حل اين شبهه از منظر ديني بحث و گفتگو شد.

۱. پيشينه تحقيق

۱.۱. مطالعات داخلي

رضايي (۱۳۸۱) در مقاله‌اي با عنوان "بررسي فقهی حقوقی جريمه تاخير"، به روش تحليلي توصيفي ضمن بيان اشکالات به ابزار جريمه تاخير، اين راهکار را از نظر فقهی قابل دفاع ندانسته و براي باور است بايد مشکل را با استفاده از شيوه‌هاي ديگري نظير شيوه‌هاي تنبيهي و تشويقي، حل کرد. البته شايدان ذکر است در اين مقاله به اين موضوع اشاره شده است که پيش از انقلاب جريمه تاخير به ميزان ۱۲ درصد دريافت مي‌شده اما پس از انقلاب براي تشويق مشتريان نرخ بهره را به صورت کارمزد تا ۴ درصد کاهش مي‌دادند که مورد سودجويي سواستفاده‌کنندگان قرار گرفته بود. وي در پايان راهکار تبديل ديون به سهام را ارائه مي‌کند که بانک سهم خود را به صورت اقساط در قراردادي با مدت زمان ديگر به مشتري بفروشد.

معصومي‌نيا (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان "تخفيف مبلغ بدهي در ديون مدت‌دار در برابر کاهش مدت سررسيد"، با استفاده از روش تحليلي - توصيفي ضمن اشاره به روايات و اقوال موافق و مخالف، و تشريح در ضعف دليل مخالفان، به بررسي فقهی تخفيف مبلغ بدهي در برابر کاهش مدت پرداخته و به اين نتيجه مي‌رسد که از نظر فقهی اين ابزار شبهه ربا ندارد و مي‌تواند در فعاليت‌هاي بانكي مورد استفاده قرار گيرد.

موسويان (۱۳۸۵) در مقاله‌اي با عنوان "بررسي راهکارهاي حل مشکل تاخير تاديه در بانکداری بدون ربا"، به روش تحليلي - توصيفي ضمن بررسي علل تاخير و مطالعه آثار اقتصادي و اجتماعي آن، براساس چند معيار به ارزيابي راهکارهاي پيشنهادي مي‌پردازد و اشاره دارد که برخي از اين

راهکارها اشکالات شرعی داشته و برخی نیز ناکارآمد هستند و در پایان بیان دارد هنوز راه حل عاری از اشکالات شرعی و کارآمد وجود ندارد.

موسویان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای دیگر با عنوان "نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین" با استفاده از تجربه‌های نظام بانکی ایران و دیگر کشورهای اسلامی، ضمن اشاره به مشکلات و نارسایی‌های نظام بانکی ایران و بررسی جنبه‌های گوناگون، برای اصلاح و تکمیل آن قانون جایگزینی را پیشنهاد می‌دهد. وی در این مقاله ضمن تعریف و تعیین اهداف و وظایف نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، در بخش تخصیص منابع پولی در ماده ۲۳ و ۲۴ قانون پیشنهادی، بیان می‌دارد به استفاده‌کنندگان تسهیلات که زودتر از سررسید بدهی خود را می‌پردازند، متناسب با مبلغ و مدت، بدهی آنان تخفیف داده شود و آن دسته از مشتریانی که به صورت منظم در سررسیدهای مقرر به تعهدهای خود عمل می‌کنند، جایزه خوش حسابی داده شود. اما همچنان جریمه تاخیر در قانون پیشنهادی وی وجود دارد و در بند ۲۵ قانون پیشنهادی بدان اشاره شده است.

انصاری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "دریافت خسارت تاخیر تادیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار"، به روش تحلیلی - توصیفی ضمن بررسی عوامل تاخیر و راهکارهای گوناگون و شبهه ربا، دریافت خسارت را در قالب وجه التزام در انجام تعهد را بهترین و کاراترین شیوه دانسته که شبهه ربا نیز ندارد و خسارت وارده به بانک را تدارک کرده و انگیزه لازم را به منظور جلوگیری از تاخیر بدهکاران پدید می‌آورد.

۱.۲. مطالعات خارجی

القری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان "مشکلات بانک‌های اسلامی و راه حل آن‌ها"، به روش تحلیلی توصیفی یکی از مشکلات پیش‌روی نظام بانکداری بدون ربا را تاخیر در بازپرداخت بدهی‌ها برمی‌شمارد و برای حل آن دو پیشنهاد ارائه می‌کند. نخست آن که مجموعه‌ای از اقدام‌های کیفی، نظیر صندوق ویژه مبتنی بر جریمه دیرکرد که برای بانک سود ندارد، به اجرا گذارده شود. دوماً بدهکار در صورت تاخیر، معادل بدهی و مدت تاخیر خود را به بانک وام دهد.

محمد هتّا (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "اعمال جبران خسارت و مجازات بر پرداخت بدهی در معاملات اسلامی"، به روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به اصول فقه و شریعت و قرآن بر روی مجازات و جبران خسارت تاخیر تادیه در موسسات مالی اسلامی تمرکز کرده و به این نتیجه می‌رسد که موسسات مالی اسلامی مجاز هستند جریمه یا جبران خسارت برای پرداخت در مدت تعیین شده و تاخیر تادیه وضع کنند و یا با اختیار خود از مبلغ تخفیف دهند.

در مقالات پیش گفته راهکارهایی نظیر جریمه تاخیر برای مجازات بدهکار متخلف ارائه و بررسی شد، اما با مشکلات متعددی از جمله شبهه ربای جاهلی از منظر برخی فقیهان مواجه بوده است. در زمینه تخفیف خوش حسابی تاکنون مطالب گوناگونی گفته شده و در مواردی خاص در نظام بانکی تخفیف در مطالبات مدت دار به کار گرفته شده است. اما آنچه وجه تمایز این مقاله با دیگر مقالات و تحقیقات است، آن است که تا به حال هیچ مقاله‌ای تحت این عنوان به بررسی تخفیف خوش حسابی نپرداخته و آنچه در لابلای مقالات دیگر یافت شد به صورت جامع و کاربردی مطرح نبوده است. همچنین موسویان نیز در مقاله خود، چنانچه گفته شد، جایزه خوش حسابی را مطرح کرده‌اند اما با تخفیف خوش حسابی که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود متفاوت است. وی در مقاله خود خوش حسابی را به پرداخت زودتر از موعد مقرر اطلاق کرده و همچنان در راهکار ایشان جریمه تاخیر تادیه وجود دارد. هتا نیز در مقاله خود تخفیف بدهی را با استناد به آیات قرآن و فقه و اصول به روش تحلیلی - توصیفی بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که موسسات می‌توانند با اختیار خود به مشتریان از بدهی‌شان تخفیف دهند، اما این مقاله ضمن تعریف تخفیف خوش حسابی و انواع آن، با بیان تحلیلی - توصیفی مساله و روش دلفی درصدد تبیین یک طرح جامع برای نظام بانکی بدون ربای ایران در زمینه مطالبات معوق است که علاوه بر حذف جریمه تاخیر از عملیات بانکی بدون ربا، اختلاف نظرات در شبهه ربا را نداشته و می‌تواند هم از تعویق مطالبات بانکی جلوگیری کند و هم در صورت تاخیر تادیه، خسارت وارده به بانک را پوشش دهد.

۲. جریمه تاخیر و مشکلات آن

جریمه تاخیر ابزاری است که از ابتدای تاسیس بانکداری بدون ربای ایران مورد استفاده قرار گرفته است و هم‌اکنون بانک‌ها با استناد به مصوبه شورای نگهبان، از این ابزار برای جلوگیری از تعویق مطالبات خود استفاده می‌کنند. درباره حکم شرعی دریافت جریمه دیرکرد از مشتریان، دو دیدگاه وجود دارد: برخی از فقیهان قائل به مشروعیت آن بر مبنای دو اصل شرط کیفری مالی و تعزیر مالی هستند، که شرط کیفری مالی براساس قاعده فقهی "المؤمنون عند الشروطهم"، و تعزیر مالی براساس توانایی مشتری متخلف در ادای دین صحیح و شرعی است. با ملاحظه این دو مبنا، جریمه دیرکرد ماهیتی تنبیهی و مجازاتی می‌یابد (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

طرفداران عدم مشروعیت بر این باور هستند که دریافت جریمه دیرکرد در عقدهای بانکی براساس دومبنای تعزیر مالی متخلف و شرط کیفری مالی مخدوش است. مبنای نخست به جهت قرارگرفتن در زمره امور قضایی برای نظام بانکی کاربردی ندارد. طرفداران عدم مشروعیت باور دارند که شرط دریافت جریمه از مشتریان بدحساب به جهت ربوی بودن آن، باطل شمرده می‌شود؛ زیرا

دریافت زیاده بر مبلغ اصلی دین اگر در قرارداد قرض باشد، شرط انتفاع شمرده می‌شود و اگر در عقود دیگری باشد، مصداق ربای جاهلی است. اشتراط جریمه دیرکرد به صورت شرط فعل، ضمان‌آور نیست و نمی‌توان به استناد چنین شرطی مشتری را مجبور به پرداخت جریمه کرد، بلکه فقط به عنوان تکلیف شرعی، عمل به آن بر مشروطاً علیه، واجب است و در صورت امتناع وی از عمل به تعهد شرطیه، مشروطاً له فقط می‌تواند وی را از باب امر به معروف به امثال امر الهی، یعنی وفای به شرط ملزم کند و در صورت عدم اثرگذاری آن، امر را به محاکم قضایی ارجاع می‌دهد (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۹۰: ۲۰۵).

۳. علل تاخیر پرداخت بدهی

۳.۱. اعسار و ناتوانی

مشتری برای رفع نیازهای مالی خود از بانک تسهیلات دریافت می‌کند و در سررسید، به هردلیل توانایی بازپرداخت بدهی خود را ندارد.

۳.۲. تغییر شرایط اقتصادی

تاجران، صنعتگران و فعالان عرصه اقتصادی باتوجه به تجارب کاری خود و برنامه‌ریزی‌های انجام شده اقدام به دریافت تسهیلات بانکی می‌کنند اما به دلیل تغییر شرایط بازار و اقتصاد (مثلاً رکود) قادر به فروش محصولات خود نیستند و در پرداخت دیون خود به بانک با مشکل مواجه می‌شوند. به عنوان مثال، صنعتگری طبق برنامه، مواد اولیه، لوازم کار و ماشین‌آلاتی را به صورت نسبه خریداری می‌کند تا از محل فروش محصول، بدهی را بپردازد، اما برخلاف انتظار، به جهت رکود اقتصادی یا مشکلات مدیریتی امکان فروش و پرداخت بدهی را پیدا نمی‌کند، و میبیند اگر بخواهد بدهی خود را در سررسید بپردازد، به ناچار باید اجناس یا محصول خود را زیر قیمت بفروشد و این به ضرر اوست. این دسته از افراد با استمهال و یا دریافت استقراض جدید می‌توانند کسب و کار خود را رونق بخشیده و تعهدات خود را پرداخت کنند.

۳.۳. تخلف و نقض تعهد

گاهی تاجر یا یک بنگاه اقتصادی مشاهده می‌کند که با تاخیر در پرداخت بدهی، سرمایه نقدی بدون هزینه‌ای در اختیارش قرار می‌گیرد که می‌تواند با استفاده از آن معاملات سودآور داشته باشد، برای مثال تاجری که برای مدت سه‌ماه اجناسی را به صورت نسبه خریده بود تا بعد از فروش، بهای آن را بپردازد، حال می‌بیند می‌تواند با تاخیر در پرداخت بدهی، پول حاصل از فروش را برای خود سرمایه قرار دهد و به خرید و فروش کالا و کسب سود بیشتر بپردازد. (موسویان، ۱۳۸۵: ۱۰۶ و ۱۰۷).

با این تفاسیر مطالبات معوق بانکی در دو گروه از بدهکاران تقسیم می‌شوند:

- گروه اول: بدهکارانی که توان بازپرداخت ندارند. (به دلایل اعسار و ورشکستگی)

- گروه دوم: بدهکارانی که توان بازپرداخت دارند اما بدهی خود را به موقع پرداخت نمی‌کنند.

به منظور مقابله با گروه اول بدهکاران، می‌بایست بانک اولاً با کارشناسی دقیق فنی، اقتصادی، مالی و همچنین ارزیابی مالی شخص متقاضی، که در هر صورت توانایی مالی پرداخت تعهداتش را داشته باشد، و نظارت دقیق بر عملکرد دریافت‌کننده تسهیلات، که آیا تسهیلات دریافتی را در محل موردنظر بکار گرفته است یا خیر، احتمال تعویق و یا نکول مطالبات را به دلایل ناتوانی به حد قابل توجهی کاهش دهد و در درجه دوم از مشتریان وثایق و ضمانت‌های لازم را جهت اطمینان از بازگشت تسهیلات دریافت نماید، تا احتمال تعویق و یا نکول مطالبات به حد صفر برسد.

در مورد گروه دوم بدهکاران که شرایط و توانایی بازپرداخت تعهدات خود را دارند اما از پرداخت تعهداتشان امتناع می‌ورزند، شرع مقدس اسلام به صراحت این افراد را مجرم و ظالم شمرده و آن‌ها را مستوجب مجازات می‌داند. این مضمون در کتاب‌های حدیث شیعه نیز از پیامبر نقل شده است، بر بدهکار توانا واجب است بدهی‌اش را سر موعد بپردازد و عدم پرداخت، جرم و قابل تعقیب جزایی است و قاضی می‌تواند او را مجازات کند. این مجازات می‌تواند مالی و یا بدنی باشد و قاضی می‌تواند دستور مجازات مالی و پرداخت توسط متخلف را دهد (رضایی، ۱۳۸۱: ۳۸). اعتبارسنجی و کارشناسی دقیق فنی، اقتصادی، مالی متقاضی دریافت تسهیلات این مسئله را برای بانک روشن می‌سازد که متقاضی دریافت تسهیلات در چه سطح مالی و اقتصادی قرار دارد و در صورت عدم پرداخت به موقع تعهداتش، در کدام یک از دسته‌بندی‌ها قرار می‌گیرد. یعنی آن‌که اگر بدهکار بانکی مطالبات خود را پرداخت نکرد، برای بانک محرز است که آن شخص توان پرداخت دارد و پرداخت نمی‌کند یا دچار ورشکستگی و اعسار و... شده است.

آن‌چه در نظام بانکی بدون ربای ایران مشکل ایجاد می‌کند همین مساله پیش‌گفته است و جریمه تاخیر ایزاری برای حل این مشکل می‌باشد. اما این مساله از نظر برخی فقیهان ربا محسوب شده و باید چاره‌ای برای آن اندیشید. تاکنون راهکارهای متعددی برای حل این مشکل مطرح شده است، از جمله اشتراط جریمه تاخیر تادیه به صورت شرط ضمن عقد که شورای پول اعتبار در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه خود ماده‌ای تصویب کرد که به موجب آن گیرنده تسهیلات بانکی به عنوان شرط ضمن عقد، متعهد می‌شود در صورت تاخیر تادیه، جریمه بپردازد. این راهکار گرچه مورد تایید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند، اما از جهت فقهی محل بحث است و فقها به آن پاسخ‌های متفاوت داده‌اند. (موسویان، ۱۳۸۵: ۱۱۵)

۴. تخفیف خوش حسابی

تخفیف در لغت به معنای کاستن، کم کردن، سبک کردن، سبک کردگی است و بسته به ترکیب کلمات معانی متفاوتی خواهد داشت. خوش حسابی نیز در لغت به معنای خوش معاملگی، خوش پرداختی است (لغتنامه دهخدا). با این تفاسیر "تخفیف خوش حسابی" معنا و مفهوم کاستن از بدهی فرد خوش پرداخت را می دهد. خوش حسابی در نظام بانکی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. آن دسته از مشتریانی که در موعد مقرر تعهدات خود را به بانک پرداخت می کنند.

۲. آن دسته از مشتریانی که زودتر از موعد مقرر تعهدات خود را پرداخت می کنند.

در مورد دسته دوم که مشتریان بدهی خود را زودتر از موعد پرداخت می کنند، در نظام بانکی ایران تخفیفی در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال بانک مسکن در بخش تسهیلات خود این ابزار را به کار گرفته و اعلام داشته مشتریانی که قبل از سررسید اقدام به پرداخت اقساط تسهیلات خود می نمایند، از ابتدای سال ۱۳۸۱ مشمول پرداخت جایزه خوش حسابی می شوند. در ادامه اضافه کرده است بدهکارانی که ۷ قسط و بیشتر را زودتر از سررسیدهای مقرر واریز می نمایند در صورت عدم تمایل به استفاده از جایزه خوش حسابی، مشمول تخفیف سود در قالب تقلیل مبلغ اقساط یا کاهش تعداد اقساط خواهند شد (bank-maskan.ir، ۱۳۹۳). ابزار پیش گفته که هم اکنون در مرحله اجرا رسیده متوجه کسانی است که زودتر از موعد مقرر بدهی خود را پرداخت می کنند و شامل همه تسهیلات و همه بدهکاران بانکی نمی شود.

۵. جواز فقهی تخفیف خوش حسابی^۱

موضوع کاستن از مبلغ بدهی یکی از مصادیق مبحث تنزیل است و روایتهای متعددی درباره این مساله، وارد شده است. اگر این امر از نظر شرع جایز باشد، می توان از آن در سامانه بانکی استفاده کرد، به این صورت که بانکها به کسانی که براساس عقود شرعی تسهیلات پرداخته اند، اعلام می کنند در صورتی که وضعیت مالی آنها بهبود یابد و اقساط خود را زودتر بپردازند، تخفیفهای معینی در نظر می گیرند. محمدبن مسلم از امام باقر (ع) نقل کرده که از حضرت پرسیده شد: «شخصی دین مدت داری برعهده دارد، طلبکار نزد وی می آید و می گوید: فلان مقدار از بدهیات را نقدی بپرداز تا از بقیه آن صرف نظر کنم یا این گونه می گوید: قسمتی را نقد بپرداز تا مدت بقیه را اضافه کنم. امام باقر فرمود: تا وقتی که به اصل سرمایه چیزی نیفزاید، اشکالی در این کار نمی بینیم. خداوند می فرماید: برای شما است سرمایه تان، نه ستم کنید و نه مورد ستم واقع شوید»

۱- مطالب این قسمت از مقاله غلام علی معصومی نیا تحت عنوان «تخفیف مبلغ بدهی در دیون مدت دار در برابر کاهش مدت سررسید»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۴، ۱۳۸۵ اخذ شده است.

(حرّ عاملی، بی تا، ج ۱۳: ص ۱۶۸). ابوالصلاح حلبی در کتاب الکافی فرموده: هرکسی بدهی مدت‌داری به کسی داشته باشد و طلبکار به وی بگوید: قسمتی از بدهی را فوراً بپرداز تا باقی را به تو ببخشم و او این کار را انجام دهد، صحیح است و مقداری که اسقاط شده، برای بدهکار حلال است و طلبکار نمی‌تواند بعد آن را مطالبه کند (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۴۲۰ق: ص ۴۳۸).

در زمینه کاستن از مبلغ بدهی روایات زیادی مطرح شده و روایت مشهوری از پیامبر است که می‌فرماید: «ضعوا و تعجلوا» (بیهقی، بی تا: ص ۲۸). برخی از فقیهان حکم به عدم جواز این مساله داده‌اند و برخی دیگر جواز آن را تایید کرده‌اند. بعد از ملاحظه ادله مخالفان و موافقان مشخص شد که مخالفان دلیل معتبری بر منع اقامه نکرده‌اند و عمده دلیل آنان قیاس است. دلیل مهمی هم که موافقان آورده‌اند روایت ابن عباس بود که گروهی آن را تضعیف کردند. اگر تضعیف این گروه را بپذیریم این روایت در ردیف روایتهای مخالف قرار خواهد گرفت و با آنان تعارض خواهد کرد که نتیجه، اسقاط هر دو دسته است. در این صورت باید به قواعد عامه رجوع کنیم که به مقتضای آن، این معامله صحیح خواهد بود. (معصومی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۳)

شایان ذکر است که حکم مورد نظر با ربا تفاوت ماهوی دارد. رواج ربا باعث کاهش فعالیت‌های مفید در بخش واقعی اقتصاد می‌شود، اما تخفیف مبلغ بدهی در برابر کاهش مدت، ماهیتش به طور کامل متفاوت است. بدهکارانی که پیش از سررسید، تمکن مالی می‌یابند، با استفاده از این حکم مقداری کمتری می‌پردازند و این به نفع آنان است. طلبکارانی هم که زودتر از موعد طلب خود را دریافت می‌کنند، با به‌کارگیری آن در بخش واقعی یا فعالیت‌های مرتبط با آن، مانند مشارکت در بازار مالی غیرربوی، به رشد اقتصادی کمک می‌کنند. (معصومی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

بنابراین می‌توان اذعان داشت ابزار تخفیف خوش‌حسابی به منزله کاهش مبلغ بدهی در برابر کاهش مدت پرداخت به لحاظ شرعی صحیح خواهد بود و می‌توان آن را در علمیات بانکی بدون ربا بکار گرفت.

۶. بررسی اجرای تخفیف خوش‌حسابی

در نظام بانکی، تاخیر در بازپرداخت تسهیلات، به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد و آثار نامطلوبی را برجا می‌گذارد، به گونه‌ای که بانک‌ها نمی‌توانند به راحتی از کنار این موضوع بگذرند. صرف‌نظر از هزینه‌های اجتماعی مانند: اختلال در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بانک‌ها، کاهش اعتماد عمومی و...، به طور خلاصه می‌توان گفت که تاخیر در بازپرداخت تسهیلات آثار منفی مالی و اقتصادی بسیاری را بر بانک‌ها تحمیل می‌کند، به گونه‌ای که حتی ممکن است آن‌ها را در آستانه ورشکستگی قرار دهد، از جمله این آثار نامطلوب اقتصادی می‌توان به مواردی چون کاهش

نقدینگی، عدم امکان استفاده مناسب اقتصادی از سرمایه‌های بانک، تحمیل هزینه‌های قضایی و اجرایی وصول مطالبات، خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، بالا رفتن هزینه‌های جاری بانک، اشاره کرد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

هدف از وضع جریمه تاخیر در نظام بانکی این است که مشتریان را ملزم کند تا در موعد مقرر تعهداتشان را به بانک بپردازند؛ چرا که تاخیر تادیه مشتریان برای بانک‌ها مشکل‌ساز است. اما تفاوت دیدگاه‌های پیش‌گفته در این ابزار، بکارگیری آن را در رسیدن به این هدف مخدوش کرده است. ایده اصلی این مقاله این است که می‌توان جریمه تاخیر را، که به عنوان ابزار الزام‌آور در نظام بانکی از آن استفاده می‌شود، حذف کرد و به این هدف خاص و مهم از راهی دیگر رسید و آن تخفیف خوش حسابی است. به این صورت که از ابتدا قراردادهای بانکی را با هر نرخ که هستند به اندازه نرخ i که زیان احتمالی از تاخیر تادیه را پوشش دهد (نرخ در حال حاضر $i + r$ نرخ پوشش‌دهنده خسارت تاخیر i)، افزایش داده و قراردادها با نرخ بالاتر از نرخ کنونی تنظیم و منعقد شوند و در ضمن عقد اشتراط شود در صورت پرداخت به موقع اقساط و بدهی، مشتریان از تخفیف خوش حسابی برخوردار خواهند شد. میزان این تخفیف می‌تواند برابر نرخ اضافه شده در ابتدای قرارداد (i) باشد که بانک برای جبران زیان در صورت تاخیر تادیه مشتریان در نظر گرفته است. بنابراین وقتی مشتریان خواهند دید که در صورت عدم پرداخت به موقع بدهی خود و تاخیر کردن می‌بایست نرخ بالاتری را متحمل شوند، از این رو می‌کوشند تا بدهی خود را در موعد مقرر پرداخت کنند، و در صورتی که مشتریان از تعهدات خود تخلف کرده و بدهی خود را به موقع پرداخت نکنند، باید بدهی خود را مطابق نرخ جدید ($i + r$) به بانک بپردازند. در کل مزایای این ابزار را می‌توان در چند مورد نام برد:

۶.۱. ایجاد انگیزه در مشتریان برای پرداخت به موقع بدهی

مهم‌ترین شرط برای موفقیت یک ابزار در ملزم کردن مشتریان برای پرداخت بدهیشان، ایجاد انگیزه است. برای رسیدن به هدف مورد نظر، دو نوع انگیزه می‌توان در مشتری ایجاد کرد، انگیزه تشویقی و انگیزه امتناعی وقتی در قرارداد بانکی، نرخ سود به مقدار معینی افزایش یافته ($i + r$) و قید شود که در صورت پرداخت به موقع بدهی شامل تخفیف سود به میزان معین شده (i) می‌شوند، این مساله باعث ایجاد انگیزه تشویقی شده و مشتریان درصدد آن برمی‌آیند که برای بهره‌مند شدن از تخفیف، تعهدات خود را به موقع پرداخت کنند. در آن روی سکه، وقتی مشتریان می‌بینند که اگر بدهی خود را در اسرع وقت به بانک پرداخت نکنند باید متحمل نرخ سود بالاتری شوند، تلاش خود را می‌کنند تا از تاخیر در پرداخت بدهیشان ممانعت ورزند و نرخ بالاتر را نپردازند (انگیزه امتناعی).

۶.۲. رفع شبهه ربای جاهلی جریمه تاخیر

گنجاندن شرط جریمه تاخیر در قراردادهای مالی، این اجازه را به بانکها می‌دهد که در صورت عدم پرداخت به موقع اقساط و بدهی‌ها، مبلغی را افزون بر مبلغ اصلی دین، به عنوان جریمه تاخیر از مشتریان دریافت کنند. به عبارت دیگر بانکها با دریافت این مبلغ، به گیرندگان تسهیلات اجازه می‌دهند که بازپرداخت اقساط خویش را به تعویق انداخته و در مقابل، بدهی خود را همراه با مبلغی اضافه‌تر در تاریخی دیرتر از موعد مقرر پرداخت کنند. رویه بانکها در این باره مصداق تمدید مدت پرداخت در برابر افزایش بدهی است و مطابق دیدگاه بسیاری از فقیهان، یکی از اقسام ربا شمرده می‌شود، بنابراین مشروعیت ندارد. این نوع ربا به ربای جاهلی معروف بوده و دریافت آن حرام است. (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۹۰: ۱۹۴)

با وضع نرخ سود $i + r$ در تسهیلات بانکی، و شرط ضمن عقد تخفیف خوش‌حسابی به میزان i ، ماهیت قراردادهای به این صورت است که بانک با نرخ $R = r + i$ قراردادهای را تنظیم کرده است و مشتریان نرخ R را تعهد می‌کنند. حال اگر مشتری تعهدات خود را در موعد مقرر پرداخت نکند، می‌بایست نرخ R را به بانک بپردازد. چون تخفیف خوش‌حسابی به عنوان شرط ضمن عقد در قراردادهای بانکی گنجانده شده است، آن‌چه در این‌جا اتفاق افتاده این است که مشتری به شرط ضمن عقد عمل نکرده و فقط شامل تخفیف خوش‌حسابی نشده است. بنابراین در اصل قرارداد خدشه‌ای وارد نشده و این به منزله مدت بیشتر و نرخ بالاتر نیست و شبهه ربای جاهلی نخواهد داشت.

۶.۳. پوشش خسارت وارده به بانک در صورت تاخیر تادیه مشتریان

آن‌چه بانکها برای دست یافتن به آن می‌کوشند، همچون همه بنگاه‌های اقتصادی، تحقق سود است، ولی این سودها محقق نمی‌شود مگر مشتری ملتزم باشد بدهی خود را در زمان تعیین شده و بدون تاخیر بازپرداخت کند، زیرا تامین مالی به زمان پیوند خورده است. اگر مشتری در بازپرداخت تاخیر کند، سود مورد انتظار بانک تحقق نمی‌یابد، گرچه او بدهی خود را به طور کامل بپردازد. در حالی که عصر حاضر به عصر سرعت و برنامه‌ریزی دقیق برای آینده شناخته می‌شود (مساله‌ای که بازپرداخت به هنگام بدهی‌ها را دارای اهمیت بسیاری ساخته که در گذشته این میزان اهمیت را نداشته است)، بازرگانان به بستن قراردادهای خرید در سررسیدهایی هماهنگ با زمان پیش‌بینی شده با درآمد حاصل از فروش‌های مدت‌دار خود اقدام می‌کنند. حال اگر بازپرداخت معاملات گروه دوم با تاخیر همراه شود، معاملات گروه نخست نیز اختلال می‌یابد و چه بسا به مشکلی می‌انجامد که برحسب جریان کار بنگاه و فعالیت آن تاثیر می‌گذارد یا گاهی به ورشکستگی بنگاه می‌انجامد. (القری بن عید، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

اصل خسارت تاخیر تادیه باید در نظام بانکداری اسلامی مورد پذیرش قرار گیرد، وگرنه آثار نامطلوب اقتصادی و اجتماعی فراوانی برجا می‌گذارد که سرانجام به ناکارآمدی این نظام می‌انجامد. با توجه به تبصره ۱ الحاقی به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۷۶ در اطلاق کلمه خسارت در آن، هر گونه تردید قانونی درباره مطالبه خسارت تاخیر تادیه از سوی بانک‌ها از بین رفت، حتی از عبارت‌های آن چنین استنباط می‌شود که این قانون به گذشته هم سرایت دارد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۷۰)

چنان‌که بیان شد بانک در اثر تاخیر تادیه با انواع خسارات مستقیم مادی روبرو می‌شود. راهکار پیشنهادی باید به گونه‌ای باشد که خسارت‌های وارد بر بانک را تدارک کند. این معیار به ویژه در تعیین نرخ خسارت تاخیر تادیه باید مورد توجه قرار گیرد تا خسارت تاخیر تادیه پیش‌بینی شده، بتواند زیان‌های وارده به بانک را جبران کند. (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۷۳)

همان‌طور که گفته شد و مقالات متعددی در این زمینه نگاشته شده است، هدف از وضع جریمه تاخیر در نظام بانکی بدون ربای ایران، جلوگیری از تاخیر تادیه است، چرا که در صورت تاخیر مشتریان در پرداخت بدهی خود، بانک متضرر شده و مشتری به صورت شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تخلف در پرداخت بدهی‌اش، خسارت وارده به بانک را پرداخت کند. بر طبق طرح پیشنهادی این مقاله، وقتی قراردادهای بانکی با نرخ R تنظیم شوند، در صورت تاخیر تادیه مشتریان بانکی، خسارت وارده به بانک پوشش داده خواهد شد. به این گونه که نرخ $(r+i)=R$ در طرح پیشنهادی، نرخ خسارت تاخیر تادیه (i) را در دل خود دارد. اگر مشتری تعهدات خود را در موعد مقرر به بانک پرداخت کند، تخفیف خوش حسابی شامل وی شده و به میزان (i) ، از سود تخفیف می‌گیرد، اما اگر در پرداخت بدهی‌اش تاخیر داشته باشد، در واقع به بانک خسارت وارد کرده و می‌بایست نرخ R را که شامل نرخ قبلی قرارداد (r) + نرخ پوشش‌دهنده خسارت تاخیر تادیه (i) است، به بانک پرداخت کند. بدین ترتیب طرح پیشنهادی، خسارت وارده به بانک را پوشش خواهد داد.

۷. آسیب‌شناسی تخفیف خوش حسابی و راهکارها

این طرح اگرچه مزایای برجسته‌ای دارد، اما عاری از مشکل نیست و بهتر است برای حل مشکلات اقتصادی و اجرایی آن تدابیری اندیشه شود. به طور کل می‌توان معایب طرح را در این چند مورد برشمرد:

۷.۱. باز گذاشتن دست مشتریان در مدت زمان بازپرداخت بدهی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین نقطه ضعف طرح پیشنهادی همین باشد که زمان بازپرداخت بدهی را در اختیار مشتریان نگذاشته است که یا در سررسید پرداخت کنند و شامل تخفیف از نرخ سود شوند، یا بعد از موعد مقرر هرزمان که خواستند پرداخت کنند و نرخ R را بپردازند. این مسئله برای بانک مشکل‌ساز است، چرا که نمی‌داند مشتریان در چه تاریخی می‌خواهند بدهی‌شان را به بانک بپردازند و همین موضوع باعث می‌شود بانک در برنامه‌ریزی‌های خود دچار اختلال شود و هزینه‌های جدیدی را به بانک تحمیل کند، زیرا روش فعالیت بانک‌های ایران منطبق بر مطالبات از مشتریان است و هنگامی که نداند منابعی که امروز تسهیلات داده چه مدت طول می‌کشد تا به حساب بانک برگردد، نمی‌تواند برای اعطای تسهیلات‌های آتی خود برنامه‌ریزی کند، چون منابع تسهیلاتی بانک محدود است و می‌بایست تسهیلاتی که امروز به شخصی می‌دهد طبق برنامه زمانی به بانک برگردد تا قدرت وام‌دهی بانک‌ها تقلیل نیابد. به عنوان مثال:

"امروز بانک تسهیلاتی را به مبلغ ۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به مدت ۳۶ ماه به شخص الف اعطا کرده است، طبق طرح پیشنهادی این مقاله، شخص الف دو راه را می‌تواند برگزیند، اول این‌که بدهی خود را در موعد مقرر ۳۶ ماه به بانک پرداخت کند و از تخفیف خوش‌حسابی بهره‌مند شود، دوم این‌که به هردلیل در موعد مقرر پرداخت نمی‌کند و تادیه خود را به تاخیر می‌اندازد و نرخ R را طبق قرارداد به بانک باید بپردازد. این موضوع برعهده مشتری است که چه موقع پرداخت کند. حال اگر راه اول را برگزیند و در سررسید ۳۶ ماهه بدهی‌اش را پرداخت کند که مشکلی را متوجه برنامه‌ریزی بانک نخواهد کرد، اما اگر راه دوم را برگزیند معلوم نیست که چه مدت می‌خواهد تاخیر کند، آیا ۴۸ ماهه پرداخت خواهد کرد؟ ۶۰ ماهه؟ و یا بیشتر...، وقتی بانک نداند که مشتری چه مدت قرار است بدهی‌اش را پرداخت کند برنامه‌ریزی‌اش بهم می‌خورد و بانک نمی‌داند منابعی که امروز از بانک خارج شده چه روزی به بانک باز می‌گردد تا بتواند آن را مجدداً به شخص دیگری تسهیلات دهد."

برای حل این مشکل پیشنهاد می‌شود که بانک‌ها در متن قرارداد خود، محدوده زمانی تعریف کنند و برای مدت بازپرداخت تسهیلات "سقف زمانی" وضع کنند، بدین‌صورت که بانک به هنگام انعقاد قرارداد با مشتری، در ضمن قرارداد قید کند که تسهیلات مذکور به مبلغ A و مدت‌زمان n ماه، حداکثر m روز پس از سررسید مهلت دارد تا بدهی خود را به بانک بپردازد و در صورت عدم پرداخت در مهلت مذکور، بانک مراتب قانونی لازم را جهت وصول مطالبات خود پیگیری کرده و وثایق دریافتی از مشتری را به اجرا می‌گذارد. این مدت m روز را سقف زمانی نامیده و مدت آن بسته به نوع قرارداد می‌تواند متغیر باشد و دامنه تغییرات آن باید با نرخ و مدت زمان قرارداد

متناسب باشد (توضیحات: همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مشتریانی که مطالبات خود را به موقع پرداخت نمی‌کنند دو دسته‌اند: دسته اول آن‌هایی توان بازپرداخت به دلیل اعسار و ورشکستگی ندارند، دسته دوم کسانی که توانایی بازپرداخت دارند اما نسبت به پرداخت تعهداتشان تخلف می‌کنند. در خصوص دسته اول راه‌کار اصلی و لازمی امر آن است که هنگام پرداخت تسهیلات، بانک بررسی‌های اعتبارسنجی کافی از شخص متقاضی انجام دهد و با آگاهی از توان بازپرداخت نسبت به پرداخت تسهیلات اقدام نماید تا این دسته از بدهی‌های معوق به‌طور چشمگیری کاهش یابد. برای آن دسته از بدهکاران بانکی که نقدینگی لازم ندارند و به‌طور مثال با استقراض جدید می‌توانند کسب و کار خود را بهبود بخشند و بدهی خود را بپردازند، این سازوکار سقف زمانی و استمهال تعهداتشان به این روش برای آن‌ها مثمرتر خواهد بود، لیکن می‌بایست بسته به شرایط و مبلغ تسهیلات و نرخ آن، این زمان تعیین شود. اما درمورد دسته دوم که متخلفان هستند، توقعی نمی‌رود که اصلاً بتوان انگیزه‌ای برای آن‌ها ایجاد نمود، چه ابزار جریمه تاخیر و چه ابزار تخفیف خوش‌حسابی برافراد متخلف تفاوتی ندارد زیرا که آن‌ها به دنبال مقاصد دیگری هستند و این مسئله در حیطه امور قضایی و دادرسی قرار می‌گیرد. لذا نمی‌توان از یک ابزار ساده توقع شکوفایی و حل کل مطالبات معوق بانکی داشت چرا که این مسئله علت و معلول خارج از حیطه اقتصادی و بانکداری دارد). به عنوان مثال:

"بانک می‌خواهد تسهیلاتی را به مبلغ ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به مدت ۲۴ ماه و نرخ $(r+i)R=27$ درصد در قالب اجاره به شرط تملیک به متقاضی تسهیلات برای خرید خودرو اعطا کند، در ضمن قرارداد شرط می‌کند که اگر مشتری اقساط خود را به موقع پرداخت کند و بدهی‌اش را در سررسید تعیین شده ۲۴ ماه به بانک بپردازد، شامل تخفیف خوش‌حسابی شده و همان نرخ ۲۱ (r) درصد را می‌بایست به بانک بپردازد و اگر بدهی‌اش را در موعد مقرر نپردازد، حداکثر $m=90$ روز به وی مهلت داده می‌شود تا بدهی‌اش را به بانک با همان نرخ R بپردازد و در صورت عدم پرداخت در سقف زمانی مهلت داده شده، بانک وثایق دریافتی از مشتری را به اجرا خواهد گذاشت و مطالبات خود را از طریق دعاوی دادگستری وصول خواهد کرد."

با این توصیف می‌توان ابزاری به نام "سقف زمانی" در تکمیل طرح تخفیف خوش‌حسابی به قراردادهای بانکی افزود که مشکل موجود را حل کرد و مانع از اختلال در برنامه‌ریزی بانک شد. ذکر این نکته لازم است که نرخ R و مدت زمان m باید طوری تنظیم شوند که خسارت وارده به بانک از جانب تاخیر تادیه و نیز هزینه‌های دادگستری در وصول مطالبات از طریق به اجرا گذاشتن وثایق و همچنین مدت‌روند وصول مطالبات از طریق اجرای وثایق را پوشش دهد.

۷.۲. افزایش نرخ سود تسهیلات و کاهش قدرت رقابت بانکها

گسترش بازارهای جهانی و افزایش رقابت در بازارهای خدمات مالی طی دهه‌های اخیر، سودآوری این صنعت را نسبت به گذشته که بانکها از انحصار بیشتری در بازار خدمات مالی برخوردار بودند کاهش داده است. از این رو، اتخاذ یک روش قیمت‌گذاری بهینه برای تعیین قیمت محصولات یک بانک، به گونه‌ای که موجبات افزایش توان رقابت‌پذیری و سازگاری بانک با تغییرات را فراهم آورد از اهمیتی به سزا برخوردار است. بدیهی است، چنانچه بانک قیمت تسهیلات و خدمات خود را که می‌توان به عنوان تولیدات آن در نظر گرفت در سطحی کمتر از هزینه تمام شده آن‌ها تعیین نماید، ادامه حیات خود را با مخاطره مواجه کرده و چنانچه قیمت بسیار بالاتری را در مقایسه با هزینه تمام شده منظور کند، ممکن است رقابت‌پذیری خود را از دست بدهد. (باسکام، ۱۳۸۵: II)

برطبق طرح پیشنهادی این مقاله، تنظیم قراردادهای با نرخ R ممکن است با این واکنش مواجه شود که قیمت تسهیلات بانکهای ایران افزایش یافته و در یک فضای رقابتی، مشتریان متقاضی تسهیلات به سراغ بانکهای دیگر روند. برای درک بهتر رقابت بانکها در طرح پیشنهادی، فرض کنید دو بانک داخلی X و Y وجود دارند که بانک X طرح تخفیف خوش‌حسابی را اجرا کرده و دیگری همچنان از جریمه تاخیر استفاده می‌کند. هر دو بانک تسهیلات فروش اقساطی را اعطا می‌کنند، بانک X نرخ تسهیلات خود را ۲۶ درصد اعلام کرده و قید می‌کند مشتریان در صورت پرداخت به موقع بدهی شامل ۶ درصد تخفیف خوش‌حسابی می‌شوند و بانک Y نرخ تسهیلات فروش اقساطی خود را ۲۱ درصد اعلام کرده و قید می‌کند مشتریان در صورت عدم پرداخت به موقع بدهی، مشمول ۶ درصد جریمه تاخیر خواهند شد. درست است که در ظاهر تسهیلات بانک X از بانک Y گران‌تر است اما حقیقت این است که مشتری در صورت پرداخت به موقع بدهی در بانک X نرخ ۲۰ درصد و در بانک Y نرخ ۲۱ درصد را می‌پردازد و تخفیف خوش‌حسابی و جریمه تاخیر هر دو به نرخ ۶ درصد برای جلوگیری از تاخیر تادیه مشتریان در نظر گرفته شده است. با این توصیف بانک X در رقابت با بانک Y با تاکید و تبلیغ تخفیف خوش‌حسابی، پیشی می‌گیرد و مشتریان بیشتری جلب خود می‌کند. در حالت دیگر فرض کنید که بانک X نرخ ۲۷ درصد و تخفیف خوش‌حسابی ۶ درصد را اعلام کرده و بانک Y نرخ ۲۱ درصد و جریمه تاخیر ۶ درصد را اعلام می‌کند، در این حالت مشروط به پرداخت به موقع مشتریان، هر دو بانک در واقع نرخ ۲۱ درصد را از مشتری خواهند گرفت و در فضای رقابتی بین دو بانک تمایزی وجود ندارد. این مساله را می‌توان در بین همه بانکها و در فضای رقابت بین‌المللی تعمیم داد.

اگرچه در ظاهر نرخ تسهیلات بانکی در ایران افزایش خواهد یافت، اما حقیقت چنانچه می‌نماید نیست، چرا که نرخ R همان نرخ سابق به علاوه نرخ پوشش‌دهنده خسارت تاخیر تادیه

است و هدف از این کار حل مشکل جریمه تاخیر است نه سودجویی به نرخ بالاتر. نکته حائز اهمیت این است که بانکها با اجرای این طرح می‌بایست با تبلیغات گسترده خود این دیدگاه را در میان مشتریان بوجود بیاورند تا مشکلی در رقابت‌پذیری بانک‌های داخلی پیش نیاید.

نکته دیگر که حائز اهمیت است بحث جنبه روانی تورم این طرح می‌باشد، افزایش نرخ سود و قید تخفیف خوش حسابی در اذهان عمومی این استنباط را دارد که قیمت تسهیلات بانکی گران شده است و از آنجایی که نظام بانکی ایران حجم بسیار وسیعی در نظام اقتصادی کشور دارد، بر جنبه روانی تورم دامن می‌زند. میزان تاثیر تخفیف خوش حسابی بر جنبه روانی تورم، به واقع‌بینی مردم و فعالان اقتصادی بستگی دارد، یعنی هرچه مردم واقعیت را بیشتر ببینند و درک کنند میزان افزایش تورم کمتر است و هرچه مردم توهم پولی بیشتری داشته باشند، تاثیرگذاری آن بر تورم بیشتر است. این مشکل از طریق تبلیغات گسترده و آگاه‌سازی مردم نسبت به واقعیت طرح قابل حل است، یعنی بانکها می‌بایست با تبلیغات هرچه بیشتر خود در این زمینه، فضای توهم پولی را کاهش دهند و مردم را با حقیقت آشنا کنند. بدین‌صورت آن‌چه در تصور مردم نقش می‌بندد این است که بدهی‌مان را به موقع پرداخت می‌کنیم و همان نرخ سابق را می‌پردازیم. به عنوان مثال اگر نرخ کنونی تسهیلات فروش اقساطی ۲۱ درصد و نرخ جریمه تاخیر برای پوشش زیان وارده به بانک ۶ درصد باشد، براساس طرح جدید، قراردادهای فروش اقساطی را با نرخ ۲۷ درصد تنظیم کرده و قید شود که در صورت پرداخت به موقع اقساط به میزان ۶ درصد تخفیف خوش حسابی داده می‌شود، آن‌چه در نظر مردم شکل می‌گیرد این است که اقساط را به موقع و با همان نرخ ۲۱ درصد می‌پردازیم. پس انتظارات تورمی ناشی از افزایش نرخ سود به میزان جریمه تاخیر را می‌توان با روشن‌سازی مطلب در سطح تاثیر ناچیز کاهش داد.

۸. نمونه اجرایی تخفیف خوش حسابی

بانک توسعه اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین موسسه پولی و مالی بین کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی، به منظور پیشبرد توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو و جوامع مسلمان سایر کشورها توسط ۲۲ کشور در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۵ میلادی با سرمایه اولیه ۷۵۵ میلیون دینار اسلامی در شهر جده تاسیس شد. (اتاق بازرگانی، ۱۳۹۲: ۳)

وظایف و عملکرد بانک شامل مشارکت در سرمایه شرکت‌ها و اعطای تسهیلات جهت اجرای طرح‌ها و فعالیت‌های مولد و همچنین ارائه کمک‌های مالی جهت توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای عضو می‌باشد. (اتاق بازرگانی، ۱۳۹۲: ۴)

این بانک در زمینه تخصیص منابع از روش‌های وام بدون بهره، اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، مشارکت در سرمایه، استصناع و اعطای خط اعتباری به موسسات مالی بهره می‌جوید. نرخ سود قراردادهای این بانک در عقود اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی و استصناع به میزان ۶ درصد ثابت است که به صورت سالانه محاسبه می‌شود و به مشتریانی که اقساط خود را به موقع پرداخت می‌کنند به میزان ۱۵ درصد از سود تخفیف می‌دهد (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۳، صص ۹ و ۱۰). این بانک از ابزار تخفیف خوش‌حسابی استفاده کرده تا انگیزه لازم را برای پرداخت به موقع اقساط در بین مشتریان بوجود آورد که مشتریان بدهی خود را در موعد مقرر به بانک بپردازند.

۹. روش تحقیق

از آنجایی که طرح پیشنهادی یک راهکار نوین در نظام بانکی بشمار می‌آید و آمار و اطلاعاتی در این زمینه وجود ندارد، به منظور بررسی و اثبات فرضیه مقاله، از روش دلفی و طیف لیکرت استفاده شده است، بدین‌صورت که دو گروه از نخبگان، شامل اساتید مرتبط دانشگاهی و کاربران ارشد اعتبارات بانکی به صورت تصادفی برگزیده شده‌اند و پرسشنامه‌ای در قالب طیف لیکرت در اختیارشان قرار گرفته و نظرات آن‌ها دریافت شده است و در دو مرحله به اجماع نسبی دست یافتیم. (Boone, 2012: 1)

در این پرسشنامه متخصصان در خصوص هر سوال از اعداد ۱ تا ۵ می‌بایست پاسخ می‌دادند. عدد ۱ به معنی بدون تاثیر یا تاثیر ناچیز و عدد ۵ به معنی تاثیر خیلی زیاد است.

۱۰. روش آماری مورد استفاده

روش آماری مورد استفاده برای دستیابی به اجماع، آزمون دوجمله‌ای^۱ می‌باشد. برای این منظور پاسخ‌های ۱، ۲ و ۳ را با کد ۰ و پاسخ‌های ۴ و ۵ را با کد ۱ تعیین می‌کنیم. با توجه به این‌که پاسخ‌نامه به صورت کد ۰ و ۱ تبدیل شد، اکنون می‌توان از آزمون دوجمله‌ای برای تحلیل آن استفاده کرد. آزمون دوجمله‌ای یک آزمون ناپارامتری است که در آن بر مبنای یک مقدار یا مشخصه، به بررسی موفقیت یا شکست پرداخته می‌شود. منظور از کسب موفقیت یا شکست، وجود یا عدم وجود یک متغیر در جامعه مورد بررسی است. (Boone, 2012: 3)

در این‌جا برای بررسی موفقیت یا شکست در آزمون دوجمله‌ای پاسخ‌های ۴ و ۵ به عنوان موفقیت و کمتر از آن به عنوان شکست در نظر گرفته شده است. فرضیه صفر معادل پاسخ‌های ۱، ۲،

۳ بوده و بیانگر شکست است و فرضیه مخالف آن معادل پاسخ‌های ۴ و ۵ بوده و بیانگر موفقیت می‌باشد. با این تفاسیر آزمون دوجمله‌ای را در محیط نرم‌افزاری spss اجرا می‌کنیم.

۱۱. تحلیل آماری

جدول زیر نمایانگر نتایج بدست آمده از آزمون دوجمله‌ای در محیط کاربری spss است. با توجه به مقدار احتمال بدست آمده برای هر سوال، مشخص است که در سوالات ۲، ۴، ۵ و ۷ فرضیه صفر رد می‌شود.

Binomial Test					
	Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Exact Sig. (2-tailed)
q1	Group 1	1	.67	.50	.302
	Group 2	0	.33		
	Total	15	1.00		
q2	Group 1	1	.80	.50	.035
	Group 2	0	.20		
	Total	15	1.00		
q3	Group 1	1	.73	.50	.118
	Group 2	0	.27		
	Total	15	1.00		
q4	Group 1	1	1.00	.50	.000
	Group 2	0	1.00		
	Total	15	1.00		
q5	Group 1	1	.80	.50	.035
	Group 2	0	.20		
	Total	15	1.00		
q6	Group 1	1	.33	.50	.302
	Group 2	0	.67		
	Total	15	1.00		
q7	Group 1	1	.87	.50	.007
	Group 2	0	.13		
	Total	15	1.00		

سوال ۱- جریمه تاخیر در جلوگیری از مطالبات معوق بانکی موفق نبوده.

سوال ۲- تخفیف خوش حسابی در الزام مشتریان به پرداخت به موقع تعهداتشان موفق خواهد بود.

سوال ۳- تخفیف خوش حسابی انگیزه چندان زیاد و قابل توجهی ایجاد نمی‌کند.

سوال ۴- تخفیف خوش حسابی خسارت ناشی از مطالبات معوق را پوشش خواهد داد.

سوال ۵- تخفیف خوش حسابی از طریق جنبه روانی و تورم انتظاری بر تورم تاثیر می‌گذارد.

سوال ۶- جایگزینی تخفیف خوش حسابی بر قدرت رقابت بانک‌ها تاثیر چندانی ندارد.

سوال ۷- تخفیف خوش حسابی در افزایش کارایی بانک در برنامه‌ریزی و قدرت وام‌دهی موفق خواهد بود.

پس از بررسی‌های انجام شده که طی دو مرحله انجام گرفت، مشخص شد سوالات ۲، ۴ و ۷ که ناظر بر فرضیه مقاله هستند با اکتساب بیش از ۸۰ درصد نظر متخصصان به اجماع نسبی رسید. بنابراین فرضیه مقاله مبنی بر این که تخفیف خوش حسابی جایگزین مناسبی برای جریمه تاخیر در

عملیات بانکی بدون ربای ایران است اثبات می‌شود. البته لازم به تذکر است که در پیاده‌سازی و اجرای تخفیف خوش‌حسابی و جایگزین کردن آن با جریمه تأخیر مباحث متعددی وجود دارد که در این مقاله مجالی برای پرداختن به آن نبود، لذا این پژوهش می‌تواند گام مفیدی برای مقالات آتی باشد که در زمینه بانکداری بدون ربا نگاشته خواهد شد.

نتیجه‌گیری

۱. مقالات بسیاری در زمینه جریمه تأخیر نگاشته شده و این ابزار را از جهات گوناگون مورد بررسی فقهی قرارداده‌اند و در نهایت آن‌چه نتیجه حاصل شده این است که جریمه تأخیر به لحاظ شرعی مخدوش بوده و اجرای آن در نظام بانکی بدون ربا با مشکل شرعی مواجه است.
۲. براساس طرح پیشنهادی مقاله، به منظور التزام مشتری به پرداخت به موقع بدهی‌اش، راهکار بدین‌صورت است که بانک‌ها از ابتدا قراردادهای خود را با نرخ $R(t+i)$ تنظیم نموده و در ضمن عقد شرط کنند که مشتری در صورت پرداخت بدهی خود در موعد مقرر شامل تخفیف خوش‌حسابی به میزان i از نرخ سود می‌شوند. نرخ R می‌بایست با توجه به سازوکارهای اقتصادی توسط بانک مرکزی تعیین و ابلاغ شود. لازم به ذکر است که این نرخ اگر به صورت روزشمار باشد، می‌توان میان کسی که یک‌روز تأخیر کرده و کسی که یک‌ماه تأخیر کرده تفاوت قائل شد و برای تسهیل اجرایی آن می‌توان تخفیف را در موعد هر قسط به‌صورت ماهانه اعمال کرد.
۳. وقتی بانک قرارداد خود را با نرخ R تنظیم کرده و مشتری این نرخ را تعهد کند، در صورت تأخیر مشتری در بازپرداخت بدهی‌اش، به منزله مدت بیشتر و نرخ بالاتر نخواهد بود و شبیه ربای جاهلی کاملاً مرتفع می‌شود. همچنین نرخ R چون بالاتر از نرخ فعلی است، حتی اگر به طور کامل موجب جلوگیری از مطالبات معوق نشود، در صورت تأخیر مشتری، خسارت وارده به بانک پوشش داده خواهد شد.
۴. مهم‌ترین مشکل این طرح بازگذاشتن دست مشتری در زمان بازپرداخت بدهی‌اش است، راهکار حل این مشکل "سقف زمانی" است، بدین معنی که بانک در قرارداد خود قید می‌کند که مشتری در صورت عدم پرداخت بدهی‌اش در مدت n ماه، حداکثر m روز مهلت دارد تا بدهی خود را به بانک بپردازد و در صورت عدم پرداخت بدهی‌اش، وثایق را به اجرا خواهد گذاشت. لازم به ذکر است می‌بایست بین نرخ R و مدت m تناسب وجود داشته باشد.
۵. بانک برای بهتر به اجرا درآمدن این طرح و رفع مشکل جنبه روانی تورمی و حفظ رقابت‌پذیری می‌بایست با فضا سازی و تبلیغات موثر دیدگاه مردم را به این سمت سوق دهد که مشتریان در واقع

همان نرخ r کنونی را به بانک می‌پردازند. هرچه آگاهی عمومی و درک مردم نسبت به این مسئله بیشتر و روشن‌تر باشد، آثار تورمی و کاهش رقابت این طرح کمتر است.

ضمائم

۱. نمونه فرم پرسشنامه

سوالات	۱	۲	۳	۴	۵
۱. جریمه تاخیر چه میزان در جلوگیری از ایجاد مطالبات معوق موفق بوده است؟					
۲. تخفیف خوش حسایی تا چه حد می تواند مشتریان را ملزم به بازپرداخت در سررسید کند؟					
۳. تخفیف خوش حسایی چقدر در مشتریان ایجاد انگیزه می کند؟					
۴. در صورت تاخیر مشتریان، ابزار پیشنهادی تا چه حد خسارت وارده به بانک را پوشش می دهد؟					
۵. با توجه به افزایش نرخ سود، تاثیرات تورمی (جنبه روانی) تخفیف خوش حسایی چقدر است؟					
۶. اگر نظام بانکی یکپارچه نباشد، چقدر بر قدرت رقابت بانک اجراکننده تاثیر دارد؟					
۷. تخفیف خوش حسایی کارایی بانک در برنامه ریزی و قدرت وام دهی را چه میزان افزایش می دهد؟					

منابع

الف. فارسی

۱. آهنگران، محمدرسول؛ ملاکریمی خوزانی، فرشته؛ «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۴۰، ۱۳۸۹
۲. اتاق بازرگانی صنعت و کشاورزی؛ «آشنایی با بانک توسعه اسلامی»؛ ۱۳۹۲
۳. احمدی، فضل اله؛ نصیریانی، خدیجه؛ ابادری، پروانه؛ «تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق»؛ مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، بهار و تابستان ۱۳۸۷
۴. القری بن عید، محمدعلی؛ «مشکلات بانک‌های اسلامی و راه حل آن‌ها» ترجمه مصباحی مقدم، غلامرضا؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۰، ۱۳۸۴
۵. انصاری، علی؛ «دریافت خسارت تاخیر تادیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۴۱، ۱۳۹۰
۶. باسکام، ویلبرت؛ «قیمت‌گذاری تسهیلات و سپرده‌ها در بازارهای مالی در حال توسعه، مطالعه تطبیقی مفاهیم تامین مالی در بانکداری اسلامی و متعارف» ترجمه حمیدرضا غنی‌آبادی؛ انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵
۷. دهقانی، عبدالسعید؛ «مطالبات معوق در سیستم بانکی»؛ انتشارات دلفام، ۱۳۹۱
۸. رضایی، مجید؛ «بررسی فقهی - حقوقی جرمیه تاخیر»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۶، ۱۳۸۰
۹. سرلک، سعیده؛ «ارائه الگوی جامع نظارت شرعی در نظام بانکداری بدون ربا» کشور به منظور کاهش ریسک شریعت»؛ دانشگاه مفید، ۱۳۹۴
۱۰. قلیچ، وهاب؛ «جریمه تاخیر تادیه در بانکداری بدون ربا»؛ مجله تازه‌های اقتصاد، ش ۱۳۰، س ۸، ۱۳۸۹
۱۱. معصومی‌نیا، غلام‌علی؛ «تخفیف مبلغ بدهی در دیون مدت‌دار در برابر کاهش مدت سررسید»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۴، ۱۳۸۵
۱۲. موسویان، سیدعباس؛ «بررسی راهکارهای حل مشکل تاخیر تادیه در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۸، ۱۳۸۵
۱۳. «نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۵، ۱۳۸۶
۱۴. معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ «آشنائی با بانک توسعه اسلامی»؛ معاونت اقتصادی، ۱۳۸۳

۱۵. وحدتی شبیری، سیدحسن؛ «مطالعه تطبیقی خسارت تاخیر تادیه در حقوق ایران و فقه امامیه»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۲، ۱۳۸۲

ب. انگلیسی

16. Bertram, Dane; Likret scale; CPSC 681 – Topic Report
17. Boone, Harry N., Boone, Deborah A.; Analyzing Likret Data, journal of extension; West Virginia University, April 2012.
18. Linstone, Harold A., Turoff, Murray; The Delphi Method Techniques and Applications; southern university California; 2002
19. Mohammad Hatta, Mohammad Firdaus; Compensation and Penalty Imposed on Debt Settlement of Islamic Products; Universiti Teknologi MARA; 2015
20. Okoli, C., Pawlowski, S.D.; the Delphi Method as research tool: an example, design, considerations and applications, information and management; vol.42.2004.

ج. سایت‌ها

21. www.bank-maskan.ir
22. <http://www.isdb-pilot.org/>
23. <http://www.ats.ucla.edu>
24. <http://mayeli.blogfa.com>